

رهای فریاد

عریانم ،

عریانم ،

مثل تاکستانهای سوخته پروان

عریانم

باشال گرم نگاهت

بپوشانم

فریاد هایم را

که تکه تکه میشنوی

خنجر بر گلویم گذاشته اند

*

بی زمان

بی تقویم

در مسیر باد ایستاده ام

میترسم

میترسم

بیشه زار چشمهایت کجاست تا پنهان شوم

مگذار

با باد

با خاکباد

در آمیزند

مگذار ، تکه تکه فریاد هایم

گم شوند

در گرد باد پیچ در پیچ

*

با دستان عاشقت
خنجر از گلو گاهم بردار
آنگاه

انفجار درد خواهد بود
و آتشفشان فریاد
فریاد
فریاد

www.ayenda.org